

فرمایشات رهبری در تبیین آسیب‌های حوزه

در جلسه پیش بنا شد یکی از شاخص‌های اولویت‌گذاری مسائل تأکیدات مقام رهبری باشد. از این رو، آسیب‌های استخراج شده از فرمایشات ایشان به صورت مستقل تقدیم می‌گردد، تا در اولویت‌گذاری مورد استفاده قرار بگیرد.

منابع: ① دیدار با طلاب قم سال ۱۳۸۹، ② دیدار با فضلا و نخبگان قم سال ۱۳۸۹، ③ دو دیدار با اعضای جامعه مدرسین در سال ۱۳۸۹ و ④ نه دیدار با اعضای شورای عالی حوزه در سال‌های ۱۳۷۲، ۱۳۷۵، ۱۳۷۶، ۱۳۷۷، ۱۳۷۹، ۱۳۸۰، ۱۳۸۳، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۹.

۱. موضوع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی

- ۱/۱. نیاز حوزه به سند چشم‌انداز
 - ۱/۱/۱. دشواری تنظیم سند چشم‌انداز برای حوزه
 - ۲/۱/۱. وابستگی برنامه‌ریزی به داشتن سند چشم‌انداز
 - ۳/۱/۱. عدم امکان فعالیت حوزه در خلأ برنامه
 - ۴/۱/۱. عدم امکان آماده‌سازی برای آینده بدون چشم‌انداز
- ۲/۱. کم بودن کمیّت در حوزه
 - ۱/۲/۱. عدم کفایت فراخوان عمومی برای جذب در حوزه
 - ۳/۱. تنظیم سند چشم‌انداز یا بیانیه مأموریت برای حوزه
 - ۱/۳/۱. فراهم نمودن مقدمات تنظیم سند چشم‌انداز
 - ۲/۳/۱. تعیین هدف‌های مقطعی بر اساس سند چشم‌انداز
 - ۳/۳/۱. تنظیم برنامه‌های زمان‌بندی شده بر اساس سند چشم‌انداز
 - ۴/۳/۱. امکان تعیین اولویت‌های علوم حوزوی با داشتن چشم‌انداز
- ۴/۱. ضرورت برنامه‌ریزی کنونی در نبود سند چشم‌انداز
 - ۱/۴/۱. ناظر به واقعیات بودن برنامه‌ریزی‌ها
 - ۲/۴/۱. قابل تحقق بودن برنامه‌ریزی در عمل
 - ۳/۴/۱. برنامه‌ریزی در دو سطح بلندمدت و کوتاه‌مدت
 - ۴/۴/۱. گزینش آرزوهای قابل تحقق برای حوزه در برنامه‌ریزی
 - ۵/۴/۱. توکل به خدا و ایمان به غیب تنها روش قابل محاسبه و اتکا در برنامه‌ریزی
 - ۶/۴/۱. کنار گذاشتن آرزوهای غیرقابل تحقق در شرایط کنونی حوزه
- ۵/۱. پرهیز از تضعیف شورای عالی و مدیریت حوزه
- ۶/۱. مغتنم بودن جامعه مدرسین و پرهیز از تضعیف آن
- ۷/۱. ضرورت استفاده از شیوه‌های گوناگون جذب
- ۱/۷/۱. مثال: استعدادیابی، علاقه‌یابی و داشتن آمادگی
- ۸/۱. پرهیز از فربه شدن تشکیلات مدیریت حوزه
- ۱/۸/۱. تنبیل شدن تشکیلات‌های فربه

- ۲/۸/۱. چابک بودن تشکیلات‌های کوچک
- ۹/۱. تقسیم نیروها به دو بخش پیوسته و وابسته
- ۱/۹/۱. تعریف اعضای وابسته به نیروهای مرتبط ولی بدون ارتباط دائمی
- ۱۰/۱. استفاده از فکر فضایی جوان در مدیریت حوزه
- ۱۱/۱. آماده‌سازی حوزه برای آینده‌ای که در انتظار بشریت است
- ۱/۱۱/۱. قابل حدس بودن آینده
- ۲/۱۱/۱. آماده بودن روحانیون شیعه برای آینده
- ۱۲/۱. تنظیم نظام جامع آموزشی، پژوهشی و تبلیغی در حوزه
- ۱۳/۱. تلاش برای افزایش ارتباط با مراجع
- ۱۴/۱. عدم اجبار برای تحت مدیریت حوزه قم آوردن حوزه‌های درجه یک کشور
- ۱۵/۱. نداشتن حوزه یا داشتن حوزه‌ای رو به انحطاط در صورت راضی بودن به وضع موجود
- ۱۶/۱. احتمال وجود نداشتن حوزه قم با همین عرض و طول در آینده در صورت عدم پیش‌بینی آینده
- ۱۷/۱. شتاب بیشتر علوم بشری در آینده نسبت به رشد علم در عصر حاضر
- ۱۸/۱. شباهت نداشتن دنیای آینده با دنیای امروز از لحاظ امکان اثرگذاری، تسخیر دل‌ها و سرزمین‌ها
- ۱۹/۱. عدم امکان انجام وظایف حوزه بدون نظم، تقسیم‌بندی، تقسیم کار، کوتاه‌کردن راه‌ها و زدن زوائد
- ۲۰/۱. عدم امکان بنا کردن چیزی بدون داشتن تشکیلات
- ۲۱/۱. ناممکن بودن استفاده مردم از داشته‌های حوزه به دلیل عدم نظم و ترتیب در آن
- ۲۲/۱. غیرممکن بودن اصلاح حوزه بدون برنامه‌ریزی و مدیریت
- ۲۳/۱. هدر رفتن امکانات حوزه و به طور عمده؛ نیروهای انسانی حوزه؛ اساتید و طلاب
- ۱/۲۳/۱. اشتغال به مباحث زائد، بی‌فایده و غیرناظر به نیازها
- ۲۴/۱. دچار روزمرگی شدن حوزه در صورت عدم وجود برنامه
- ۲۵/۱. دور شدن از اهداف حوزه در صورت روزمرگی در مدیریت حوزه
- ۲۶/۱. ترسیم نشدن دقیق و مشخص حوزه مطلوب سبب بروز کوتاهی‌های امروز در حوزه
- ۲۷/۱. کند بودن حرکت رو به رشد حوزه در صورت عدم وجود ایده‌آل‌ها
- ۲۸/۱. پاشیده شدن تشکیلات حوزه در صورت عدم تبیین هدف و برنامه‌ریزی در راستای آن
- ۲۹/۱. عدم تحقق طرح‌ها در عمل در صورت قصور یا تقصیر مجری و یا عیب در طرح
- ۳۰/۱. تمرکز مدیریت در قم علت ناتوانی از خون‌رسانی سر وقت به اجزای این اندام عظیم
- ۱/۳۰/۱. یکی بودن برنامه‌ها، معیارها و نتایج در صورت تمرکز مدیریت
- ۳۱/۱. ناتوانی در ارائه گزارش فعالیت‌های در حال انجام حوزه به دلیل فقدان برنامه‌ریزی
- ۳۲/۱. اهتمام به درس و بحث مانع بر عهده گرفتن امور مدیریتی حوزه توسط فضلا
- ۳۳/۱. سامان نگرفتن امور بدون وجود مدیریت
- ۳۴/۱. محرومیت مدیریت از حرکت سالم و منطقی در صورت پیروی از سلیقه‌های مختلف و متضاد
- ۳۵/۱. اشتباه میان «خدمات‌رسانی» و «پژوهش» و مشغول بودن بیشتر مراکز حوزوی به خدمات
- ۳۶/۱. اسراف در انجام فعالیت‌های موازی در مراکز پژوهشی حوزوی
- ۳۷/۱. تعیین آینده حوزه توسط ارکان حوزه؛ مدیران، صاحب نظران، اساتید و برجستگان
- ۳۸/۱. نهادینه کردن تفکر آینده‌نگری در حوزه
- ۳۹/۱. راضی نشدن و عدم قناعت به وضع فعلی حوزه
- ۴۰/۱. توقعات از حوزه علمیه با نگاه به فضای اسلامی کشور
- ۱/۴۰/۱. مرجعیت و افتاء



- ۲/۴۰/۱. تربیت مدرس
- ۳/۴۰/۱. تحقیق و تألیف در مسائل علمی
- ۴/۴۰/۱. قضاء
- ۵/۴۰/۱. تبلیغ در سطح وسیع و به شیوه مطلوب و مدرن
- ۴۱/۱. ایجاد گروه‌های متخصص و متمحض در برنامه‌ریزی علمی
- ۴۲/۱. داشتن دستگاه برنامه‌ریزی مداوم در حوزه
- ۴۳/۱. علاج حوزه: ایجاد نظم و ترتیب در داشته‌های حوزه برای ایجاد امکان استفاده مردم از این داشته‌ها
- ۱/۴۳/۱. مثال: انباری پر از مواد ذی‌قیمت و مورد نیاز مردم، منتها بدون نظم و ترتیب
- ۴۴/۱. توجه به برنامه‌ریزی و مدیریت به عنوان دو رکن در اصلاح ساختار حوزه
- ۴۵/۱. تشکیل شورای عالی سیاست‌گذاری حوزه برای ارتقای کارآمدی حوزه
- ۱/۴۵/۱. متشکل از علما و مدرسان عالی‌مقام
- ۲/۴۵/۱. تعیین مدیری از علمای برجسته، انقلابی و بصیر
- ۴۶/۱. ضرورت اختصاص نیروهای انسانی حوزه در جهت برآورده کردن نیازها و حاجات جامعه
- ۴۷/۱. گامهای تحقق برنامه‌ریزی و نظام مدیریت مطلوب
- ۱/۴۷/۱. ترسیم شکل مطلوب حوزه
- ۲/۴۷/۱. جستجوی ملزومات دستیابی به آن شکل مطلوب
- ۳/۴۷/۱. تبیین ملزومات دستیابی به آن
- ۴/۴۷/۱. ریختن این ملزومات در قالب یک برنامه کمی
- ۵/۴۷/۱. انجام دادن و اجرایی کردن برنامه
- ۴۸/۱. توجه به قطعی و قهری بودن نیاز به برنامه‌ریزی به شکل فوق
- ۴۹/۱. اختصاص گروهی برای ترسیم و تصویب دقیق وضع مطلوب و ایده‌آل حوزه و اهداف آن
- ۵۰/۱. ترسیم ایده‌آل‌های دست‌نیافتنی برای ایجاد شور و شوق در حرکت رو به رشد حوزه
- ۱/۵۰/۱. نیاز به قهرمان برای تحقق سازندگی شخصی
- ۲/۵۰/۱. مثال: فلسفه وجود امام معصوم(ع) در تفکرات کلامی ما
- ۵۱/۱. ترسیم چشم‌انداز بلندمدت بیست یا سی ساله
- ۵۲/۱. برنامه‌ریزی‌های پنج، چهار، سه یا حتی یک ساله در دل چشم‌انداز بلندمدت
- ۵۳/۱. کمی شدن برنامه‌ها برای گنجاندن آنچه در طرح کلی مشخص شده در قالب برنامه‌های ریز
- ۵۴/۱. فرهنگ‌سازی و تبدیل به نیاز عمومی شدن مطلوبیتهای حوزه برای وادار شدن مسئولان به پی‌گیری
- ۵۵/۱. توجه به واقعیات جامعه در تنظیم طرح‌ها و برنامه‌های حوزه برای عملی بودن اجرای آنها
- ۵۶/۱. توجه به کیفیت خروجی طرح‌ها برای قضاوت در توفیق آنها
- ۵۷/۱. توسعه آمارگیری در حوزه
- ۱/۵۷/۱. نبود آمار درست و کامل از حوزه
- ۲/۵۷/۱. نبود آمار درست و کامل از مجموعه روحانیت در کشور
- ۱/۲/۵۷/۱. تعداد روحانیون در کشور
- ۲/۲/۵۷/۱. حدود تحصیلی آنها
- ۳/۲/۵۷/۱. میزان فضل آنها
- ۴/۲/۵۷/۱. توانایی تبلیغی آنها
- ۵/۲/۵۷/۱. میزان تأثیرگذاری در محیط اطراف
- ۳/۵۷/۱. تسریع در شروع آمارگیری علی‌رغم طول کشیدن آن تا سال‌ها برای رسیدن به نتیجه



- ۴/۵۷/۱. ایجاد نظام ارزشیابی برای تحقق آمارگیری
- ۵۸/۱. ضرورت رصد، نظارت و پی‌گیری برنامه‌ها تا دستیابی به خروجی مورد نظر
- ۵۹/۱. تلاش برای امروزی کردن جریان کار در حوزه علمیه
- ۶۰/۱. تأسیس شورای عالی سیاست‌گذاری امور حوزه
- ۱/۶۰/۱. متشکل از دوازده یا پانزده نفر از فضلاء طراز اول حوزه
- ۲/۶۰/۱. تشکیل هفته‌ای یک یا دو بار جلسه برای تبادل نظر در سیاست‌گذاری مسائل حوزه
- ۳/۶۰/۱. تعیین خطوط اصلی بدون ورود به جزئیات اجرایی
- ۴/۶۰/۱. داشتن یک دبیر فعال برای روان کردن برنامه‌ها
- ۵/۶۰/۱. انتخاب مدیر قوی برای حوزه توسط این شورا و حمایت از او
- ۶۱/۱. تفکیک مسئولیتهای حوزه‌های بزرگ از مرکز مدیریت حوزه
- ۶۲/۱. تأمین محاسن تمرکز در مدیریت حوزه‌های علمیه کشور در عین پرهیز از معایب آن
- ۶۳/۱. سیاست‌گذاری در تعیین گستره فعالیت تشکلهای صنفی حوزوی
- ۶۴/۱. سیاست‌گذاری فعالیت مطبوعات ادواری داخل حوزه
- ۶۵/۱. برنامه‌ریزی برای ساماندهی ورزش طلاب
- ۱/۶۵/۱. وادار کردن طلاب به ورزش
- ۲/۶۵/۱. ایجاد اطمینان و اعتماد به نفس
- ۳/۶۵/۱. بیرون آوردن از حالت خمود و رکود
- ۴/۶۵/۱. صرف بخشی از نشاط جوانی در مسیری معقول و صحیح
- ۶۶/۱. در جریان نگهداشتن شخصیت‌های برجسته حوزه نسبت به اتفاقات بزرگ کشور
- ۶۷/۱. اولویت داشتن در دست گرفتن مدیریت حوزه توسط یکی از مراجع معظم
- ۶۸/۱. نظام مدیریت در حوزه اوجب واجبات است. شورای محترم مدیریت و فضلاء عالی مقام، با وجود درس‌های خارج، تحقیقات علمی و شاگرد طلبه معلوم است که نمی‌رسند! اداره چنین تشکیلات به این عظمتی، کار یک شورای مدیریت نیست؛ این، یک نظام مدیریتی می‌خواهد.
- ۶۹/۱. نیاز حوزه به مدیریتی مورد حمایت بزرگان حوزه، مراجع معظم، فضلا و جامعه مدرسین
- ۷۰/۱. نیاز به اشخاص فارغ‌البال برای پذیرفتن مسئولیت معاونت‌ها و تشکیلات مدیریت حوزه
- ۷۱/۱. عدم دخالت شورای سیاست‌گذاری در فعالیت‌های مدیریت اجرایی حوزه
- ۱/۷۱/۱. ارائه تدبیر کلی و خط و مشی از سوی شورا و مختار بودن مدیر در جزئیات اجرایی
- ۷۲/۱. نیاز حوزه به تشکیلات مرکزی مدیریتی اندیشمند، با نفوذ و مطاع
- ۷۳/۱. عدم ایجاد هرج و مرج و عدم اجبار مدیریت حوزه به پیروی از سلیقه‌های مختلف و گاه متضاد
- ۷۴/۱. تقویت تشکیلات مدیریت با عمق دادن و کیفیت به آن
- ۱/۷۴/۱. صریح و روشن بودن وظایف تشکیلات
- ۲/۷۴/۱. نیاز تشکیلات به یک مجموعه فکرکننده که فقط فکر کنند
- ۷۵/۱. ضرورت فراغت پیدا کردن مدیران و کادر اجرایی مدیریت از درس در سال‌های مسئولیت
- ۱/۷۵/۱. ضرورت واگذاری مسئولیت در صورت ممانعت اشتغالات دیگر از امور مدیریت
- ۷۶/۱. ایجاد جرأت علمی در نسل جوان طلاب با نشر آثار آنها در مجلات حوزوی
- ۷۷/۱. اولویت‌های فعالیت مدیریت حوزه
- ۱/۷۷/۱. طبقه‌بندی مراحل تحصیلی طلاب در قم
- ۲/۷۷/۱. تعیین رشته‌های اختصاصی و مواد درسی آن
- ۳/۷۷/۱. تهیه کتب درسی مناسب و در صورت امکان، تغییر در کتب درسی کنونی

- ۴/۷۷/۱. تعیین مدارسی برای رشته‌های خاص در حوزه
- ۵/۷۷/۱. تعیین مدارس ویژه تربیت افرادی جهت اشتغال در مشاغل خاص
- ۶/۷۷/۱. تعیین پایان‌نامه‌ها و گواهی‌های مخصوص حوزه علمیه برای درجات مختلف علمی
- ۷/۷۷/۱. شناسایی استعدادهای برجسته برای تحقیق یا تحصیل و تهیه امکانات برای پرورش آنها
- ۸/۷۷/۱. رسیدگی به وضع معیشتی طلاب از قبیل مسکن و مدرس و بیمارستان و غیره
- ۹/۷۷/۱. تدوین مقرراتی برای کیفیت زیست عمومی طلاب
- ۱۰/۷۷/۱. فراهم آوردن حوزه‌های درس اخلاق
- ۱۱/۷۷/۱. ترویج معنویت و سلوک روحانی و روحیه زهد، عفاف و ساده‌زیستی در حوزه
- ۱۲/۷۷/۱. تأسیس و حمایت از واحدهای علمی با گرایش‌های نو و ابتکاری
- ۱۳/۷۷/۱. تشکیل مدارس ویژه تربیت مبلغ و مدرس برای داخل و خارج از کشور
- ۷۸/۱. تأسیس دفتر طرح و برنامه دائمی برای ارائه نیازهای تشکیلاتی مدیریت
- ۷۹/۱. طراحی چارت تشکیلاتی مدیریت حوزه توسط یک گروه خوش فکر و با برگزاری یک سمینار
- ۱/۷۹/۱. معاونت تبلیغ و نیروی انسانی
- ۱/۱/۷۹/۱. تربیت مبلغ برای داخل و خارج کشور
- ۲/۱/۷۹/۱. تأمین مبلغان ثابت یا فصلی برای مناطق گوناگون کشور
- ۲/۷۹/۱. معاونت آموزش
- ۱/۲/۷۹/۱. اداره مدارس تحت برنامه و مدارس تخصصی
- ۲/۲/۷۹/۱. برنامه‌ریزی برای آموزش
- ۳/۲/۷۹/۱. تهیه متون آموزشی
- ۴/۲/۷۹/۱. اعطای گواهی و مدارک تحصیلی
- ۵/۲/۷۹/۱. مدیریت پایان‌نامه‌های طلاب
- ۳/۷۹/۱. معاونت تحقیقات و مطالعات
- ۱/۳/۷۹/۱. تربیت محقق
- ۲/۳/۷۹/۱. نظارت بر رساله‌های تحقیقی
- ۳/۳/۷۹/۱. انتشار مجلات علمی در حوزه
- ۴/۷۹/۱. معاونت پرورشی
- ۱/۴/۷۹/۱. مشاوره‌های اخلاقی و تربیتی
- ۲/۴/۷۹/۱. دروس و برنامه‌های تربیتی
- ۳/۴/۷۹/۱. کشف و هدایت استعدادهای درخشان
- ۵/۷۹/۱. معاونت گزینش و آمار
- ۱/۵/۷۹/۱. ارائه ملاک گزینش و گزینش طلاب برای ورود به حوزه
- ۲/۵/۷۹/۱. نظارت بر گروه‌های مختلف اجتماعی در حوزه
- ۳/۵/۷۹/۱. توجه به مسائل امنیتی و حقوقی حوزه
- ۴/۵/۷۹/۱. برگزاری امتحانات ورودی در حوزه
- ۵/۵/۷۹/۱. سامان‌دهی مسأله نظام وظیفه
- ۶/۵/۷۹/۱. تنظیم و ارائه آمارهای مورد نیاز در حوزه
- ۶/۷۹/۱. معاونت امور شهرستان‌ها
- ۷/۷۹/۱. معاونت اداری و پشتیبانی
- ۸/۷۹/۱. معاونت رفاه و خدمات



- ۸۰/۱. تأسیس شورای برنامه‌ریزی آشنا به علم برنامه‌ریزی برای هم‌خوان شدن برنامه‌ها با هم
- ۸۱/۱. شناسایی نیروی انسانی مناسب برای تصدی امور سیاسی، علمی، اخلاقی، تشکیلاتی و حکومتی
- ۸۲/۱. انتشار مجله‌ای برای انعکاس نظرات مرکز مدیریت حوزه
- ۸۳/۱. برنامه‌ریزی و تعیین تعداد خروجی حوزه در هر رشته، در دوره‌های زمانی مشخص
- ۸۴/۱. آوردن سرمایه‌های حوزه به بازار فکر از طریق برنامه‌ریزی
- ۸۵/۱. انتخاب و پرداخت مالی به تعدادی طلبه فاضل برای پاسخگویی به شبهات از طریق روزنامه‌ها
- ۸۶/۱. شناخت زمینه‌های ایجاد شبهه و برنامه‌ریزی برای پاسخگویی به شبهه پیش از طرح
- ۸۷/۱. برنامه‌ریزی برای هماهنگ کردن پژوهش‌های پراکنده طلاب در مراکز تحقیقاتی مختلف حوزه
- ۱/۸۷/۱. مکمل شدن پژوهش‌ها برای دستیابی به یک منظومه کامل
- ۲/۸۷/۱. به هدف رصد کردن هجوم فکری دشمن و مقابله با این هجوم
- ۳/۸۷/۱. مشورت کردن طلبه با مدیریت حوزه پیش از پژوهش و پذیرفتن الزامی توصیه مدیریت
- ۴/۸۷/۱. نتیجه: ایجاد یک نگاه کلی به برنامه و کار تحقیق در حوزه
- ۵/۸۷/۱. نتیجه: وارد نشدن کارهای تکراری، بیهوده و بی‌فایده به جریان تحقیقات حوزه

۲. موضوع تحوّل و مدیریت آن در حوزه

- ۱/۲. قهری و حتمی بودن تحوّل
- ۲/۲. انحرافات تحوّل
- ۱/۲/۲. تغییر خطوط اصلی حوزه‌ها در اجتهاد
- ۲/۲/۲. رهاکردن شیوه‌های سنتی تعلیم و تربیت
- ۳/۲. عدم امکان مدیریت تحوّل در حوزه بدون وجود یک مدیریت منسجم
- ۱/۳/۲. اجتناب‌ناپذیر بودن مدیریت حوزه به وسیله یک گروه متمرکز مورد تأیید مراجع
- ۴/۲. حفظ اجتهاد رایج به عنوان قوی‌ترین و منطقی‌ترین شیوه اجتهاد
- ۱/۴/۲. عدم تکیه به ظنون غیرمعتبره در اجتهاد
- ۱/۱/۴/۲. مثال: فتوا به حرمت تلاش صلح‌آمیز هسته‌ای برای رفع سوءظن قدرت‌های بزرگ
- ۵/۲. عدم تبدیل شیوه‌های سنتی آموزشی حوزه به شیوه‌های رایج دانشگاهی
- ۱/۵/۲. مثال: انتخاب آزادانه استاد
- ۲/۵/۲. مثال: فکر و دقت کردن به جای حفظ کردن
- ۳/۵/۲. مثال: پیش‌مطالعه طلبه قبل از حضور در درس
- ۴/۵/۲. مثال: مباحثه با هم‌درس پس از درس
- ۵/۵/۲. مثال: تقریر بحث استاد بعد از او (در نجف)
- ۶/۵/۲. مثال: احترام به استاد و تواضع شاگرد در مقابل استاد
- ۷/۵/۲. مثال: گوش کردن استاد به حرف شاگرد
- ۸/۵/۲. مثال: گعده علمی و نشست تحقیقی بین طلاب
- ۶/۲. شاخص‌های تحوّل مثبت
- ۱/۶/۲. تقویت اجتهاد با همان شیوه صحیح متکی بر کتاب و سنت
- ۲/۶/۲. عدم اختصاص اجتهاد به فقه و ضرورت تقویت آن در علوم عقلی، فلسفه و کلام
- ۳/۶/۲. حضور حوزه در صحنه‌های متعدّد فلسفی، فقهی و کلامی در دنیا؛ نه غایب، نه منفعل
- ۴/۶/۲. قوی، منطقی و قانع‌کننده بودن پاسخ‌ها
- ۵/۶/۲. انطباق فعالیت‌های علمی با نیازهای مردم



- ۶/۶/۲. پرهیز از فعالیت‌هایی که مورد نیاز مردم نبوده و زیاد هم کار شده
- ۷/۶/۲. ارتقاء نظام رفتاری و اخلاقی حوزه
- ۱/۷/۶/۲. تکریم مراجع تقلید و اساتید و عناصر فاضل
- ۷/۲. ایجاد یک مدیریت منسجم مورد تأیید مراجع در حوزه برای مدیریت تحوّل
- ۸/۲. عقب ماندن طبیعی حوزه‌های علمیه از زمان، در برهه معاصر
- ۱/۸/۲. پیدایش انقلاب و سرعت تحولات ناشی از پیدایش آن سبب عقب ماندن حوزه‌ها
- ۲/۸/۲. مثال: دو نفر سوار بر اسب؛ یکی با اسبی تندروتر و جلوتر. آن که اسب کندرو دارد به اتومبیل دست پیدا می‌کند. طبیعی است آن که اسب تندرو دارد به گرد او هم نمی‌رسد! الآن وضعیت این‌گونه است.
- ۹/۲. ناتوانی حوزه از پاسخ دادن به نیازهای امروز بشریت، علی‌رغم توانایی فقه پیچیده شیعه
- ۱۰/۲. ناکافی بودن روال جاری و موجود حوزه‌های علمیه برای پاسخ دادن به نیازها
- ۱۱/۲. ناممکن بودن اصلاح حوزه به وسیله افرادی غیرروحانی
- ۱۲/۲. دو طرف داشتن تحوّل؛ در جهت صحیح یا در جهت غلط
- ۱۳/۲. نپذیرفتن تحوّل، موجب انزوای اجتماعی حوزه
- ۱۴/۲. دور شدن حوزه‌ها از پیشرفتهای جدید علمی
- ۱/۱۴/۲. همین علوم قبلاً در حوزه‌ها تعلیم و تعلم می‌شد
- ۲/۱۴/۲. غربی‌ها متصدی دانش طبیعی شده بودند
- ۱/۲/۱۴/۲. نگاه بدبینی علمای دین به علمی که توسط دشمنان دین ترویج شود
- ۳/۱۴/۲. دشمنان حاضر نبودند علم را به حوزه راه دهند
- ۱/۳/۱۴/۲. در همه عالم و از جمله کشورهای اسلامی علم ابزار سیاست‌های ضد دین بود
- ۱۵/۲. دور ماندن حوزه از تحولات زمانه و مسائل زندگی
- ۱/۱۵/۲. محدود و محصور کردن علمای دین به مسائل ذهنی دینی
- ۲/۱۵/۲. بی‌خبر نگهداشتن علمای دین از تحولات دنیای خارج
- ۳/۱۵/۲. از بین رفتن روح تحوّل‌گرایی در حوزه‌های علمیه
- ۱/۳/۱۵/۲. همیشگی تحقق تحوّل در استنباط دین و فقه اسلام در تحولات عظیم جهانی گذشته
- ۱۶/۲. خیلی کند و بطيء بودن تحوّل حوزه و ناسازگاری با ضرورت و اقتضاء
- ۱۷/۲. امواج فقه، فلسفه، کلام، حقوق و حتی اخلاق دنیا را فرا گرفته و ما با زمان خیلی فاصله داریم
- ۱۸/۲. عدم استفاده بهینه از ظرفیتهای حوزه علمیه
- ۱۹/۲. ایجاد تحوّل در حوزه برای پاسخگو شدن نسبت به انتظارات
- ۱/۱۹/۲. تدوین و تنقیح قوانین مورد نیاز نظام
- ۲/۱۹/۲. تکفّل مسئولیت‌های حوزوی
- ۳/۱۹/۲. تدوین نگرش انقلاب اسلامی
- ۴/۱۹/۲. مقابله با تهاجم فرهنگی
- ۲۰/۲. حوزه مطلوب: قادر به گسترش هدایت الهی در همه‌جا و رساندن علم دین به سطحی که قادر باشد همه گره‌های ذهنی و عملی بشر را در دنیای پیچیده امروز، با سرانگشت گره‌گشای دین خدا باز کند.
- ۲۱/۲. ترسیم آینده حوزه برای آگاهی روحانیت از جایگاه خود به عنوان سازمان انجام کارهای نبی‌اکرم(ص)
- ۲۲/۲. اصلاح حوزه وظیفه تمام گروه‌های حوزی است؛ از مراجع و مدرسان تا طلاب به حسب توان
- ۲۳/۲. اصلاح حوزه بر عهده: اول بزرگان حوزه، دوم فضالای جوان حوزه و سوّم دستگاه مدیریت حوزه
- ۲۴/۲. ضرورت حفظ، ترمیم و بالندگی میراث حوزه

- ۱/۲۴/۲. توقف به معنای عقب‌گرد است، پس حفظ کردن میراث حوزه کافی نیست
- ۲۵/۲. ترمیم در حوزه: جایگزین کردن ثلمه حاصل از فقدان‌ها
- ۱/۲۵/۲. جایگزین کردن نیروی انسانی جدید به جای گذشتگان
- ۲/۲۵/۲. جایگزین کردن مفاهیم علمی جدید به جای مفاهیم مندرس و کهنه
- ۳/۲۵/۲. دلیل: رو به فنا و زوال بودن هر حادثی از حوادث عالم
- ۲۶/۲. بالندگی حوزه: پیشرفت و یک قدم جلو رفتن و آفاق تازه‌ای را کشف کردن
- ۱/۲۶/۲. استوارتر کردن استدلال‌های علمی
- ۲/۲۶/۲. گشودن افق‌های نوین در خود علم و یا در محصولات علمی
- ۲۷/۲. ضرورت زنده، سالم و قوی ماندن حوزه علمیه برای توانایی ترمیم و بالندگی
- ۲۸/۲. توجه مدیران، فضلا و صاحب‌نظران حوزه به مدیریت تحوّل در حوزه برای حفظ جهت صحیح
- ۲۹/۲. نگریختن از تحوّل
- ۳۰/۲. تحوّل، سنت آفرینش الهی و امری اجتناب‌ناپذیر
- ۳۱/۲. هجرت علمای بزرگ به حوزه‌های تعطیل شده و احیای آن‌ها
- ۳۲/۲. اغتنام فرصت فراهم شده برای اصلاح حوزه به برکت انقلاب و رهبری همه جانبه امام بزرگوار
- ۱/۳۲/۲. امروز این مشکلات قابل علاج است؛ دیروز نبود و فردا هم ممکن است قابل علاج نباشد
- ۳۳/۲. مدیریتی مطاع با نفوذ و اندیشمند، شرط اساسی تحوّل حوزه
- ۳۴/۲. استفاده از موجودی ارزشمند حوزه علمیه قم در تحوّل
- ۱/۳۴/۲. در تحوّل نمی‌خواهیم تمام پایه‌های حوزه را به هم بریزیم
- ۳۵/۲. کوشش همه حوزویان برای اصلاح و «مدرنیزه» کردن حوزه منطبق با نیازها
- ۳۶/۲. «قبول درد»؛ اولین گام در مسیر تحوّل حوزه
- ۳۷/۲. «همتِ علاج»؛ دومین گام در مسیر تحوّل حوزه
- ۳۸/۲. «بیدار شدن روح کار در جوانان حوزه»؛ سومین گام در مسیر تحوّل حوزه
- ۳۹/۲. «مرکز مدیریت حوزه»؛ به طور مشخص متصدی و سر رشته‌دار تحوّل در حوزه
- ۴۰/۲. اعتماد و به کارگیری فضایی جوان در روند اصلاح حوزه
- ۱/۴۰/۲. فضایی جوان: طلبه‌های دارای سن ۳۵ تا ۴۵ و حدود ۷ سال درس خارج رفته
- ۲/۴۰/۲. استفاده از دیدگاه‌های نسل جوان حوزه
- ۴۱/۲. نقش طلاب جوان در تحوّل حوزه: خوب درس خواندن، رعایت اخلاق، اصل دانستن تدبیر در زندگی و الگو قرار دادن بزرگان در آداب زندگی و خلیات عبادی و عملی
- ۴۲/۲. تبیین نقص‌ها و راه‌حل‌ها برای بزرگان و فضایی حوزه
- ۴۳/۲. استفاده از پیشرفت‌های روز در حوزه
- ۴۴/۲. برگزاری سمینار؛ بهترین قالب بررسی مسائل حوزه
- ۴۵/۲. هماهنگی با مراجع تقلید و استفاده از نظرات ایشان در اصلاح حوزه
- ۴۶/۲. ایجاد عزم جمعی برای سامان‌دهی حوزه
- ۴۷/۲. تسریع در آغاز مقدمات تحوّل با توجه به تدریجی بودن اصلاح حوزه
- ۴۸/۲. یافتن مرجحات و ملاکات واقعی یک طلبه، برای سامان‌دهی شهریه
- ۱/۴۸/۲. آیا مبنائاً باید به هر کس که وارد حوزه شد شهریه پرداخت کرد؟

۳. موضوع علم در حوزه

- ۱/۳. قطع دانش در صورت قطع سؤال



- ۲/۳. زحمت ندادن استاد برای تولید فکر نو از آفات نظام آموزشی وارداتی از اروپا
- ۳/۳. آسیب درس گفتن بدون مطالعه
- ۴/۳. عدم امکان فنان شدن در همه علوم
- ۱/۴/۳. مثال: سرآمد نبودن شیخ طوسی و علامه حلّی در همه علوم
- ۲/۴/۳. مثال: مسلط‌تر بودن نجاشی در رجال از شیخ طوسی
- ۳/۴/۳. مثال: ضعیف‌تر بودن کتب علامه [حلّی] در فلسفه از کتب ابن سینا
- ۵/۳. عدم کفایت فقه و اصول برای تبلیغ دین در عصر حاضر
- ۶/۳. بی‌دفاعی نظام در برابر شبهات فلسفه‌های وارداتی در صورت محرومیت از فلسفه اسلامی
- ۷/۳. ضرورت ملزم شدن حوزه به لوازم علم‌محوری
- ۸/۳. ضرورت پرسش‌زا بودن مجموعه علم‌محور
- ۱/۸/۳. گشاده‌رویی در برخورد با پرسش‌ها
- ۲/۸/۳. برخورد در میدان علمی علی‌رغم احترام فراوان به اساتید
- ۳/۸/۳. ضرورت برخورد علمی با طرح اشکال و شبهه و مسأله جدید
- ۴/۸/۳. عدم جواز سکوت در برابر اشتباه علمی به دلیل احترام گذاشتن
- ۹/۳. ایجاد فضای آزاداندیشی به عنوان خاصیت علمی بودن
- ۱/۹/۳. آزاد بودن فکر برای اهل فکر و کسانی که صلاحیت اظهارنظر دارند
- ۲/۹/۳. وجود آزاداندیشی در حوزه امروز مانند گذشته، حتی بیشتر
- ۳/۹/۳. ضرورت توسعه آزاداندیشی و گسترده‌تر شدن دامنه آن
- ۱۰/۳. ترویج خودباوری و اعتماد به نفس علمی
- ۱/۱۰/۳. خودباوری فضایی حوزه در تضارب آراء
- ۲/۱۰/۳. خودباوری فضایی حوزه در کیفیت حرکت علمی
- ۱۱/۳. حفظ انصاف در برخورد با مسائل علمی
- ۱۲/۳. جدیت در کار علمی و رهاکردن دنباله کار علمی
- ۱۳/۳. ارتباط فعال با جامعه ملی درون کشور و جامعه فراملی
- ۱/۱۳/۳. ارتباط با حوزه‌های علمیه داخلی و خارجی
- ۲/۱۳/۳. ارتباط با حوزه‌های علمیه اهل سنت در کشورهای دیگر
- ۱/۲/۱۳/۳. ارتباطات تعریف شده از مراکز معین
- ۲/۲/۱۳/۳. بی‌معنا بودن ارتباطات شخصی در عصر حاضر
- ۱۴/۳. سرکوب نشدن آراء مخالف مشهور
- ۱/۱۴/۳. ضرورت پرهیز از سرکوب کردن آراء شاذ
- ۲/۱۴/۳. پرهیز از روش‌های غیرعلمی در ردّ نظر مخالف
- ۱/۲/۱۴/۳. روش علمی: استدلال و پاسخگویی به روش اقناع عقلی
- ۲/۲/۱۴/۳. روش غیرعلمی: تکفیر و تفسیق و اعلان خروج از دین و خروج از مذهب
- ۱۵/۳. همراه شدن آموزش در حوزه با تفکر، تکرار و تحقیق
- ۱/۱۵/۳. حذف برنامه‌های حفظ‌گرایی از نظام آموزشی حوزه
- ۲/۱۵/۳. امتحان استاد از شاگرد پیش از آغاز درس نسبت به درس جلسه قبل
- ۳/۱۵/۳. اتخاذ روش‌هایی برای وادار کردن طلبه به فکر، به خصوص در دروس سطح
- ۴/۱۵/۳. عدم جمود بر متون فعلی حوزه و تهیه متون متناسب با زمان
- ۱۶/۳. پژوهش‌محور بودن حوزه



- ۱/۱۶/۳. عدم انحصار پژوهش حوزوی در فقه و اصول
- ۲/۱۶/۳. ضرورت و نیاز مبرم به ایجاد تنوع در علوم حوزوی
- ۳/۱۶/۳. ضرورت حفظ منزلت علمی هر استادی در رشته خودش
- ۱۷/۳. نترسیدن از شیوه‌های نو در آموزش
- ۱۸/۳. ضرورت طبقه‌بندی علوم حوزوی
- ۱/۱۸/۳. اولویت‌بندی، رتبه‌بندی و ارزش‌گذاری بر اساس سنجش با نیازهای روز
- ۱۹/۳. عدم مانعیت رواج سایر علوم در حوزه برای رشد فقه
- ۲۰/۳. دقیق بودن ارزشیابی تحصیلات
- ۱/۲۰/۳. ضرورت کامل خواندن کتاب‌های درسی بدون حذف
- ۲/۲۰/۳. عدم سهل‌انگاری و اغماض در امتحانات
- ۲۱/۳. آزاد گذاشتن شیوه‌های آموزشی در حوزه
- ۱/۲۱/۳. به رسمیت شناختن همه شیوه‌های آموزشی در حوزه
- ۲۲/۳. توجه به اهمیت فلسفه در حوزه
- ۱/۲۲/۳. باقی‌ماندن پرچم فلسفه اسلامی در دست حوزه
- ۲۳/۳. توجه به اهمیت تفسیر قرآن در حوزه
- ۲۴/۳. تحجّر؛ بلای اصلی حوزه علمیه
- ۲۵/۳. بی‌انعطاف معرفی کردن احکام دین از سوی دشمن برای محروم کردن بشر از فیض شریعت
- ۲۶/۳. آثار سوء مخالفت با فلسفه در گذشته حوزه علمیه قم؛ محدود بودن گستره تفکرات فلسفی در بین علمای دین
- ۲۷/۳. برخورد نامناسب با شبهات؛ سبب اتهام به حوزه
- ۲۸/۳. بی‌توجهی به قرآن در حوزه‌های علمیه
- ۱/۲۸/۳. انزوای قرآن، موجب تنگ‌نظری در حوزه علمیه
- ۲۹/۳. عدم گسترش کافی و لازم علم کلام؛ حقیقتاً یک فاجعه است
- ۳۰/۳. موفقیت دشمنان پیشرفت فرهنگی ملت ایران در ترویج فلسفه غرب در کشور
- ۳۱/۳. اصرار بر غنای علمی کتب فعلی؛ تنها غنای علمی کافی نیست!
- ۳۲/۳. اصرار بر کارآمدی کتب درسی فعلی در تربیت عالمان بزرگ
- ۳۳/۳. توهم ناتوانی علمی علمای امروز جهت تولید کتب درسی
- ۳۴/۳. دل بستگی بعضی حوزویان به برخی کتب درسی
- ۳۵/۳. هدر رفتن بعضی از استعدادها در حوزه
- ۳۶/۳. مدرک زدگی آفت مدرک است، طلبه برای مدرک درس بخواند عیب بزرگی است
- ۳۷/۳. شناسایی و پاسخ‌گویی به خلاءهای فکری طلاب
- ۳۸/۳. ایجاد اعتماد به نفس علمی در طلاب
- ۳۹/۳. ایجاد صلاحیت‌های لازم برای مقابله با بحران‌های فکری در میان اعضای حوزه
- ۴۰/۳. ضرورت توجه به نخبگان رشته‌های غیرفقهی در حوزه، مانند: فلسفه و کلام
- ۱/۴۰/۳. ایجاد منزلت حوزوی و اجتماعی، برای محققان تمامی علوم اسلامی
- ۴۱/۳. توجه به علمی بودن مجموعه روحانیت شیعه برخلاف خیلی از مجامع روحانی دنیا
- ۴۲/۳. هویت علمی حوزه: پرورشگاه عظیم تربیت علماء در همه رشته‌های مورد نیاز مردم یا رشته‌های مورد نیاز برای ادای تکلیف

- ۴۳/۳. تولید فکر، تحکیم مبانی اسلامی، ایستادگی در مقابل شبهه‌های دشمنان حاکمیت اسلامی؛ اساسی‌ترین وظیفه حوزه‌های علمیه
- ۴۴/۳. ترویج آزاداندیشی؛ به معنای تحمل نظر مخالف
- ۱/۴۴/۳. اجازه دهید حرف زده شود، سپس با استدلال رد کنید
- ۲/۴۴/۳. آزاداندیشی؛ یک شعار مظلوم در جامعه ما
- ۳/۴۴/۳. تفاوت میان آزاداندیشی و بی‌بندوباری
- ۴۵/۳. تفکیک میان اصول‌گرایی و تحجّر
- ۱/۴۵/۳. اصول‌گرایی: پذیرفتن اصول مستدلّ منطقی، پایبندی به آن و تطبیق رفتارهای خود با آن اصول
- ۴۶/۳. توجه به لبّ فقاہت؛ فهم حقیقت دین و بیان آن به مردم
- ۴۷/۳. فقاہت؛ دانش اصلی روحانیت
- ۴۸/۳. تطوّر فقه؛ یکی از ارکان فقاہت به معنای دید باز فقیه در شناختن سؤال‌های زمانه
- ۴۹/۳. وحدت فقه سنتی و فقه پویا؛ فقه پویا همان فقه سنتی است
- ۱/۴۹/۳. پویا: علاج‌کننده مشکلات انسان و پاسخ‌گوی حوادث واقعه
- ۲/۴۹/۳. سنتی: دارای شیوه و متد اجتهاد، شیوه‌ای که قرن‌ها معمول بوده و کارایی خود را نشان داده
- ۵۰/۳. گستره فقه اسلامی: تنظیم تمامی روابط انسان با جامعه و خداوند، گسترده‌تر از علم حقوق
- ۱/۵۰/۳. علم حقوق فقط متکفل تنظیم روابط میان افراد جامعه بشری
- ۵۱/۳. شریعت اسلامی، جاری در عرصه‌های زندگی و برای تمامی زمان‌ها و مکان‌ها
- ۵۲/۳. توجه بیشتر به احادیث اهل بیت(ع) به عنوان مادر اکثر علوم اسلامی
- ۱/۵۲/۳. ضرورت توجه به حدیث در حوزه‌های علمیه
- ۲/۵۲/۳. نیازهای امروزی پژوهش در احادیث اهل بیت(ع)
- ۱/۲/۵۲/۳. تدقیق و جداسازی سره از ناسره و راست از دروغ و مسلم از مشکوک
- ۲/۲/۵۲/۳. تأمل در فهم معضلات و مفاد و مضمون‌های اساسی در آن
- ۳/۲/۵۲/۳. تطبیق یا نسبت‌یابی حدیث با کلام الله عزیز حکیم
- ۴/۲/۵۲/۳. شرح و بسط عالمانه و محققانه احادیث
- ۵/۲/۵۲/۳. نشر و همگانی کردن آنچه همگان را به کار خواهد آمد
- ۵۳/۳. زمینه مساعد آزاداندیشی در حوزه علمیه
- ۱/۵۳/۳. نقادی؛ یکی از محورهای اصلی حوزه علمیه
- ۵۴/۳. برخورد فعال با جریان‌های فکری جهان
- ۱/۵۴/۳. تعامل با افکار روز دنیا؛ وظیفه مجموعه حوزه
- ۵۵/۳. ضرورت توجّه به تمامی رشته‌ها در حوزه
- ۱/۵۵/۳. رشته‌های اصلی حوزه؛ فقه: ستون فقرات حوزه، کلام: پایه حوزه، فلسفه: لازمه حتمی حوزه
- ۵۶/۳. اهتمام به رشته‌های غیر فقهی علوم اسلامی؛ تفسیر، حدیث، فلسفه، کلام، رجال و...
- ۱/۵۶/۳. ایجاد رشته‌های مستقل علوم اسلامی؛ کلام و...
- ۲/۵۶/۳. وجود علم قرآن، شناسایی قرآن، فهم قرآن و انس با قرآن به عنوان یک رشته علمی در حوزه
- ۳/۵۶/۳. توجّه عمیق به قرآن در حوزه‌های علمیه
- ۴/۵۶/۳. آشنا شدن طلاب با تاریخ اسلام و تاریخ معاصر در برنامه درسی حوزه
- ۵/۵۶/۳. ضرورت توجه جدی به کلام
- ۶/۵۶/۳. توجه به فلسفه اسلامی، در کنار کلام
- ۱/۶/۵۶/۳. نیاز به فلسفه هنگام رویارویی با فلسفه‌های غربی

- ۲/۶/۵۶/۳. تعلیم و ترویج فلسفه اسلامی در برابر موج فلسفه‌های غربی
- ۳/۶/۵۶/۳. ایجاد مرکزیت فلسفه، در حوزه علمیه قم
- ۴/۶/۵۶/۳. تأسیس انجمن فلسفه در حوزه علمیه قم، مستقل از مرکز مدیریت حوزه
- ۵/۶/۵۶/۳. استفاده از فضای مساعد کنونی برای ترویج فلسفه
- ۶/۶/۵۶/۳. توجه به معنویت در ترویج و توسعه فلسفه اسلامی؛ عارف بودن فلاسفه اسلامی
- ۱/۶/۶/۵۶/۳. تقویت فلسفه ملاصدرا؛ راه تلفیق معنویت با فلسفه
- ۷/۶/۵۶/۳. تأمین زیرساخت‌های اعتقادی قبل از ورود به فلسفه، راه نلغزیدن در فلسفه
- ۷/۵۶/۳. توجه به اشتراکات فلسفه و کلام و عرفان، ذیل عنوان علوم عقلی
- ۵۷/۳. اطلاع از پیشرفت‌های جهانی، در حوزه‌های مرتبط با علوم اسلامی
- ۵۸/۳. پیش رفتن حوزه به سمت تخصصی شدن علوم
- ۵۹/۳. توجه به چارچوب‌های نوآوری و نواندیشی
- ۱/۵۹/۳. چارچوب تفکر دینی
- ۲/۵۹/۳. چارچوب ارزش‌های حوزوی
- ۳/۵۹/۳. چارچوب روش‌های علمی
- ۶۰/۳. نوآوری باید بر اساس اقتضائات و نیازهای جامعه باشد
- ۶۱/۳. فراهم کردن روح تطور علمی و فقهی در حوزه
- ۶۲/۳. حمایت از علما و فضایی صاحب نوآوری
- ۶۳/۳. ایجاد جرأت علمی در نسل جوان حوزه
- ۶۴/۳. آزاداندیشی در چارچوب اسلام، بهترین راه علاج هرج و مرج فرهنگی
- ۶۵/۳. ایجاد محیط‌های باز، برای پرورش افکار
- ۶۶/۳. پرورش روحیه پرسشگری و تحقیق در طلاب
- ۶۷/۳. تشکیل کرسی‌های نظریه‌پردازی، پاسخ به سؤالات و شبهات و نقد و مناظره در حوزه
- ۶۸/۳. تفکیک میان آزادفکری و برخورد با افکار منافقانه
- ۱/۶۸/۳. پاسخ دادن به افکار منافقانه و پرهیز از سکوت علمی
- ۶۹/۳. عزم جمعی در حوزه، برای جنبش نرم‌افزاری
- ۷۰/۳. تبدیل تولید نظریه و فکر به ارزش عمومی در حوزه
- ۷۱/۳. درس خواندن؛ اولین وظیفه طلبه
- ۱/۷۱/۳. خدمت به دین متوقف بر تحصیل دانش دین
- ۷۲/۳. تلاش برای سامان‌دهی نظام آموزشی در حوزه
- ۷۳/۳. تکمیل نظام آموزشی حوزه در راستای مأموریت‌ها و مسئولیت‌ها اصلی حوزه
- ۱/۷۳/۳. احراز مسند افتاء و تربیت انسان‌های صالح برای افتاء
- ۲/۷۳/۳. تربیت مدرس
- ۳/۷۳/۳. انجام تحقیقات برای پیشرفت‌های علمی
- ۴/۷۳/۳. مسأله قضاء در جامعه
- ۵/۷۳/۳. مسأله تبلیغ
- ۷۴/۳. استفاده از ابزارها و روش‌های جدید در آموزش
- ۷۵/۳. برگزاری دوره‌های کوتاه‌مدت آموزشی
- ۷۶/۳. برگزاری اردوهای کوتاه‌مدت برای آشنایی طلاب با مسائل و نیازهای جامعه
- ۷۷/۳. کوتاه و کارآمد شدن نظام درسی حوزه



- ۱/۷۷/۳. کاهش دوره مقدمات، حداکثر پنج سال پس از گرفتن دیپلم، ورود به درس خارج
- ۲/۷۷/۳. کتبی مانند «مغنی» یا «مختصر» ادبیات استدلالی است برای اجتهاد در ادبیات، نه برای طلبه
- ۳/۷۷/۳. دو سال ادبیات، سه سال هم فقه و اصول و کلام و سپس ورود به درس خارج
- ۴/۷۷/۳. هدف از دوره سطح: استاد درس خارج مجبور نباشد هر مسأله را از اوّل برای طلبه بگوید
- ۵/۷۷/۳. «مکاسب» کتاب خارج است، نه سطح
- ۷۸/۳. طرح مباحث کاربردی و پرهیز از مطالب غیر لازم در دروس خارج
- ۷۹/۳. مطالعه کتابهای شهید مطهری توسط همه طلاب و همه اهل منبر
- ۸۰/۳. استفاده از آثار شهید مطهری برای تولید اندیشه‌های جدید
- ۸۱/۳. آموزش زبان خارجی به طلاب؛ برای فهمیدن اصطلاحات فرنگی
- ۸۲/۳. ضابطه‌مند کردن و کاهش تعطیلات تحصیلی در حوزه
- ۸۳/۳. تقسیم بندی طلاب بر حسب اهداف
- ۱/۸۳/۳. عده‌ای مستعد دارای شوق فقاقت تربیت شوند به عنوان فقیه و مجتهدی بزرگ
- ۲/۸۳/۳. تعدادی عالم شهری در حدّ متوسط؛ قریب‌الاجتهاد و مجتهد متجزی
- ۳/۸۳/۳. عده‌ای به عنوان منبری و مبلغ، نویسند و گوینده عالم و فاضل
- ۴/۸۳/۳. بعضی برای تبلیغ در خارج از کشور و توزیع در سطح دنیا
- ۸۴/۳. فعالیت جمعی و گروهی در تألیف کتب درسی جدید
- ۸۵/۳. برنامه‌ریزی ویژه برای استعدادهای درخشان حوزه
- ۸۶/۳. اعطای مدرک درون‌حوزوی، نه به اعتبار وزارت علوم
- ۱/۸۶/۳. اعتبار حوزه عمیق‌تر، ثابت‌تر و مهم‌تر از اعتبار هر وزارتی است
- ۸۷/۳. توجه به تحقیق و نوآوری در روش‌های ارزیابی تحصیلی حوزه
- ۱/۸۷/۳. ریز نشدن در جزئیات برای بازنماندن طلبه از مسائل اصلی
- ۸۸/۳. تأسیس مدارس پیش‌حوزوی
- ۸۹/۳. قرآن؛ از جمله موادّ درسی
- ۹۰/۳. آشنایی اجمالی با اعتقادات؛ از جمله مواد درسی
- ۹۱/۳. توجه ویژه به تربیت فقها از سوی مدیریت حوزه به عنوان محور اصلی حوزه
- ۹۲/۳. تکامل و معرفی سنن تحصیلی حوزوی، مانند: مباحثه

۴. موضوع اخلاق و تهذیب در حوزه

- ۱/۴. احتیاج حوزه علمیه به نصایح و ذکر مسائل معنوی
- ۲/۴. عدم تحقق اهداف حوزه بدون اخلاص و دوری از هواپرستی و دنیاطلبی
- ۳/۴. ناممکن بودن خاشع کردن دل بشر معاصر بدون خاشع بودن دل خودمان
- ۴/۴. نیاز جوان امروز به تهذیب بیش از گذشته
- ۵/۴. وضع نظام مادی امروز دنیا علت بی‌حوصله و افسرده شدن جوانان
- ۶/۴. پدایش عرفان‌های کاذب و استقبال توسط جوانان
- ۷/۴. ضربه زدن زیاده‌روی در احساسات انقلابی به انقلاب
- ۱/۷/۴. انحراف بودن اهانت به مراجع به نام دفاع از انقلاب
- ۸/۴. اهمیت بیشتر تهذیب در حوزه قم نسبت به شهرستان‌ها
- ۹/۴. بی‌فایده بودن درس حرفه‌ای اخلاق
- ۱۰/۴. بی‌فایده بودن عرفان نظری برای تهذیب



- ۱۱/۴. ضرورت استفاده طلاب جوان از درس اخلاق بزرگان حوزه
- ۱۲/۴. پرهیز از دسته‌بندی‌های گوناگون و هیاو سر مسائل کوچک
- ۱۳/۴. عدم منافات تفاوت نحله‌های تهذیبی در حوزه با اصل تهذیب
- ۱۴/۴. ترویج عرفان عملی به جای عرفان نظری
- ۱۵/۴. ترویج گرایش‌ها و احساسات انقلابی در حوزه
- ۱/۱۵/۴. پرهیز از افراطی‌گری در حرکت انقلابی
- ۱۶/۴. ضرورت یافتن راهکارهای نو برای تهذیب
- ۱/۱۶/۴. وادار کردن بخش تهذیب حوزه به یافتن راهکارهای نو
- ۱۷/۴. آشنا کردن طلاب با بزرگان اهل تهذیب و اخلاق
- ۱۸/۴. انتشار کتب شرح حال و نوشته‌های اهل تهذیب
- ۱۹/۴. متصل کردن طلبه به منابع اخلاقی و معرفتی
- ۲۰/۴. تأثیر بیشتر طرح بحث اخلاق توسط استاد در کنار درس
- ۲۱/۴. جریان یافتن عرفان عملی و سلوک برای تهذیب طلاب
- ۲۲/۴. همت برای نماز شب‌خوان کردن طلبه‌ها
- ۲۳/۴. تلاش دشمن برای ایجاد اختلاف بین روحانیون و ترویج گرایش به دنیا
- ۲۴/۴. ناتوانی از خدمت به اسلام در صورت مهذب نبودن روحانی
- ۱/۲۴/۴. روحانی اگر به خودش نرسد از نظر معنوی، به مردم هم نمی‌تواند برسد
- ۲۵/۴. خطر علم بدون تهذیب
- ۲۶/۴. تخدیر شدن بعضی عمامه‌به‌سرها به حدی که ثقل عمامه را حس نمی‌کنند
- ۱/۲۶/۴. اگر علم باشد و تقوا نباشد، صد رحمت به آنجایی که علم نیست
- ۲۷/۴. اگر در حوزه شور علمی بود اما خلأهای نظام را پر نکرد، باید به تهذیب توجه کرد
- ۲۸/۴. خلف وعده با خدای متعال، عامل بروز نفاق
- ۱/۲۸/۴. تدریجی بودن پیدایش نفاق در دل
- ۲۹/۴. غرور؛ اولین آفت روحانیت پس از انقلاب اسلامی
- ۱/۲۹/۴. باور کنیم امتیازی داریم و از مردم توقعاتی پیدا کنیم
- ۳۰/۴. اعتماد مردم به روحانی؛ ضرورت توجه بیشتر روحانی به تهذیب
- ۳۱/۴. حرص به دنیا و عدم تورع از محرمات؛ دو آفت بزرگ طلبه
- ۳۲/۴. خودسازی؛ سرلوحه وظایف هر روحانی
- ۳۳/۴. نقش روحانیت در جامعه، هدایت و دست‌گیری معنوی
- ۱/۳۳/۴. هدایت معنوی جامعه نیازمند داشتن هویت و منش یک روحانی
- ۲/۳۳/۴. اخلاص و صدق علمای دین، عامل حرکت جامعه در مسیر الهی
- ۳/۳۳/۴. معنویت، اصلی‌ترین عامل تأثیرگذاری در مخاطبان
- ۴/۳۳/۴. هدایتگری جامعه، نیازمند تهذیب نفس
- ۵/۳۳/۴. تقدّم تهذیب نفس بر تهذیب جامعه
- ۳۴/۴. ریشه تأثیرگذاری روحانیت: جریان معنوی، روی خوش، دلسوزی، استغنای نفس، بی‌اعتنایی به تشریفات و زر و زیورها و هر آنچه مال دنیاست
- ۳۵/۴. ضرورت پولادین و تأثیرناپذیر بودن طلاب از لحاظ اخلاقی و روحی برای مقابله با فساد دنیای امروز
- که به همه مناطق عالم سرریز می‌شود
- ۳۶/۴. انس طلبه با دعا، ذکر و مناجات

- ۳۷/۴. الگو گرفتن از امام(ره) به عنوان نمونه تأثیر تهذیب بر طلبه
- ۱/۳۷/۴. تهذیب نفس امام، موجب رهبری شگفت‌انگیز او در انقلاب اسلامی
- ۳۸/۴. مسئولیت مضاعف ملت‌سان به لباس روحانی نسبت به سایر طلاب
- ۱/۳۸/۴. بعضی از گردن‌ها زیر بار عمامه می‌شکنند، به جهت زیاد بودن ثقل معنوی عمامه
- ۲/۳۸/۴. عالم دین اگر معمم هم نباشد مسئولیت دارد، اما اگر باشد، این مسئولیت مضاعف است
- ۳۹/۴. توجه به دوران جوانی به عنوان فرصتی مساعد برای تهذیب نفس
- ۱/۳۹/۴. اجتناب از گناه، پرهیز از موارد شبهه، تذکر مستمر و نمازهای پنجگانه؛ راه حفظ شفافیت جوانی
- ۴۰/۴. استفاده از فضا و میراث معنوی حوزه علمیه برای ارتقاء تهذیب در حوزه
- ۴۱/۴. جدی گرفتن درس اخلاق و تهذیب توسط بزرگان حوزه برای جوانان مستعد
- ۴۲/۴. بهره‌گیری از فرصت‌های ویژه معنوی برای تهذیب نفس، مانند: ماه رمضان
- ۴۳/۴. تلاش برای استحکام معنوی جامعه روحانیت
- ۴۴/۴. نگاه حکومتی به اخلاق
- ۱/۴۴/۴. تفاوت مسأله اخلاق در دوران حاکمیت اسلام
- ۴۵/۴. ضرورت مضاعف توصیه جامعه به زهد در زمان فعلی، به دلیل سیر جامعه به سمت تمول و ازدیاد ثروت در کشور
- ۴۶/۴. ساده‌زیستی و بی‌رغبتی به ظواهر و مظاهر فریبنده دنیا؛ نشانه علما در تاریخ
- ۴۷/۴. التزام طلبه به لوازمات و اقتضائات طلبگی
- ۱/۴۷/۴. پرهیز از تجمل‌گرایی
- ۲/۴۷/۴. گذشتن از بسیاری لذت‌های مادی
- ۳/۴۷/۴. رعایت زی‌طلبگی؛ پارسایی با عزت، نظم در تحصیل و زندگی
- ۴۸/۴. متضاد نبودن نفی گرایش به دنیا، با فعالیت و تلاش در زندگی
- ۴۹/۴. آمادگی حوزه در برابر بحران‌های ناشی از تهاجم فرهنگی در جامعه
- ۱/۴۹/۴. کافی نبودن دروس حوزه، برای ایجاد آمادگی در برابر تهاجم فرهنگی
- ۲/۴۹/۴. تولید فکر برای مقابله با تهاجم فرهنگی
- ۳/۴۹/۴. تبلیغ، مؤثرترین ابزار حوزه برای مقابله با تهاجم فرهنگی

۵. موضوع تعامل حوزه و نظام

- ۱/۵. مغالطه: بر سر کار بودن حکومت آخوندی در ایران
- ۲/۵. مغالطه: تقسیم آخوند به حکومتی و غیرحکومتی
- ۳/۵. هدف دشمن: محروم کردن نظام از پشتوانه عظیم فکری علمای دین
- ۴/۵. هدف دشمن: منزوی کردن روحانیت مسئول و انقلابی
- ۵/۵. مغالطه: قطع رابطه حوزه با نظام به عنوان استقلال حوزه
- ۶/۵. عدم امکان فعالیت حوزه بدون کمک بیت‌المال
- ۷/۵. تبیین عدم قبح ذاتی رفتن به سمت حکومت
- ۱/۷/۵. برترین مصداق امر به معروف بودن رفتن به سوی حکومت با هدف معنوی
- ۸/۵. ترویج مفاهیم ارزشی جایگزین برای «حکومت آخوندی» و «آخوند حکومتی»
- ۱/۸/۵. احتیاج نظام به علمای دین از لحاظ نظری و علمی
- ۲/۸/۵. عدم بی‌تفاوتی حوزه و روحانیت به نظام دینی
- ۳/۸/۵. موظف بودن نظام به حمایت از روحانیت



- ۴/۸/۵. «حمایت» و «نصیحت» نسبت روحانیت با نظام اسلامی
- ۵/۸/۵. «حمایت متقابل» حوزه و نظام از یکدیگر
- ۹/۵. توجه به گره خوردن جریان نظام اسلامی با جریان حوزه‌های علمیه
- ۱/۹/۵. یکی بودن سرنوشت هر دو
- ۲/۹/۵. لطمه خوردن نظام سبب خسارت روحانیت و علمای دین
- ۱۰/۵. عدم تنافی حمایت نظام از حوزه با استقلال حوزه
- ۱/۱۰/۵. تبیین تفاوت وابستگی با حمایت و همکاری
- ۱۱/۵. مدیون بودن نظام به حوزه
- ۱/۱۱/۵. ضرورت کمک کردن نظام به حوزه
- ۲/۱۱/۵. ضرورت اداره معیشت طلاب توسط وجوهات مردمی و عدم مداخله نظام در آن
- ۳/۱۱/۵. تأمین هزینه‌های دیگر حوزه غیر از معیشت طلاب توسط نظام
- ۱/۳/۱۱/۵. موظف بودن دولت‌ها به پرداخت این هزینه‌ها
- ۲/۳/۱۱/۵. پرداخت هزینه‌ها بدون دخالت
- ۴/۱۱/۵. اعمال پشتیبانی‌های غیرمالی از حوزه مانند در اختیار گذاشتن تریبون‌های ملی
- ۱۲/۵. وسوسه بدخواهان برای جلوگیری از طرح پیشنهادات اصلاحی به بهانه وابسته شدن حوزه به دولت
- ۱۳/۵. احتیاج نظام و حکومت الهی به معارف و مقررات اسلامی در عرصه عمل
- ۱۴/۵. عدم توجه بعضی مدعیان دین‌داری به دینی بودن قوانین نظام اسلامی
- ۱۵/۵. ضایع شدن روحانیت در صورت بی‌اعتنایی و بی‌مبالاتی در قبال حکومت
- ۱۶/۵. تضعیف حکومت اسلامی در صورت بی‌اعتنایی روحانیت به حکومت
- ۱۷/۵. نیازمندی‌های نظام به حوزه
- ۱/۱۷/۵. دستگاه قضایی در زمینه فقهی
- ۲/۱۷/۵. دستگاه اجرایی و قانون‌گذاری
- ۳/۱۷/۵. دانشگاه‌ها، نیروی نظامی، کارخانه‌ها و تمام قشرهای ملت
- ۴/۱۷/۵. نیاز نظام به یک فرد پرورده این حوزه در رأس خود
- ۱۸/۵. دشواری راه‌های پیش‌روی نظام در حفظ ارزش‌ها سبب نیاز بیشتر به حوزه
- ۱۹/۵. زمین ماندن وظایف نظام اسلامی در صورت عادت روحانیون به گریز از خطر و سختی
- ۲۰/۵. فعال بودن روحانیون، شرط لاینفک بقای انقلاب و استقلال کشور
- ۲۱/۵. خطا بودن داشتن موضعی مشابه دستگاه‌های حکومتی گذشته در قبال دستگاه جمهوری اسلامی
- ۱/۲۱/۵. آن‌ها دستگاه‌های ظلم بودند؛ اما دستگاه جمهوری اسلامی دستگاه عدل اسلامی است.
- ۲/۲۱/۵. سه نوع موضع‌گیری روحانیون نسبت به دستگاه‌های قدرت؛ وابستگی، بی‌تفاوتی، مبارزه
- ۱/۲/۲۱/۵. نامعقول بودن این سه نوع موضع‌گیری در قبال نظام جمهوری اسلامی
- ۲۲/۵. عدم دفاع حوزه از تشیع، اعتقاد، انقلاب و اسلام به صورت مدرن و طبق نیازهای امروز
- ۲۳/۵. ضعیف‌ترین و کم‌کارترین انقلاب‌ها بودن این انقلاب با این عظمت از لحاظ ارائه مبانی فکری خود
- ۱/۲۳/۵. عدم تولید آثاری در تبیین مبانی اسلامی بعد از گذشت یازده سال از انقلاب
- ۲/۲۳/۵. تربیت نکردن صدها نویسنده اسلامی برای تبیین مبانی اسلام
- ۳/۲۳/۵. توجه بیشترین مسئولیت این کار به حوزه علمیه و بیش از همه قم
- ۲۴/۵. بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی بعضی روحانیون نسبت به انقلاب و نظام
- ۲۵/۵. نشانه زهد و علم دانسته شدن بی‌اعتنایی به حکومت اسلامی در گوشه و کنار حوزه
- ۲۶/۵. عدم تغییر شیوه بعضی روحانیون در تبلیغ، منبر و نویسندگی قبل و بعد از انقلاب



- ۱/۲۶/۵. انگار نه انگار انقلابی پدید آمده و اسلام، قرآن و شریعت اسلامی احیاء شده است
- ۲/۲۶/۵. بی تفاوتی نسبت به نظام و تیز و دقیق بودن نسبت به بعضی از اشکالات و نارسایی‌ها
- ۲۷/۵. تأیید شدن بی‌ارزش‌ترین دشمنان نظام توسط بعضی در حوزه به بهانه وجود فلان نقص در نظام
- ۲۸/۵. غیرمنطقی بودن گفتار: «یا مثل حکومت امیرالمؤمنین (ع) و پیغمبر اکرم (ص) باشد یا اصلاً نباشد!»
- ۲۹/۵. امکان وابستگی و رکود نظام در صورت نادرستی سیاست‌گذاری یک روحانی (رهبر) نماد نقش قدرتمند حوزه در نظام اسلامی
- ۳۰/۵. وجود انگیزه‌هایی که می‌کوشد حوزه را نسبت به نظام اسلامی بی‌اعتنا یا بدبین سازد
- ۳۱/۵. وجود انگیزه‌هایی که می‌کوشد نظام اسلامی را نسبت به حوزه بی‌اعتنا یا بیگانه بدارد
- ۳۲/۵. عدم دستیابی نظام به هدف‌های تشکیل خود، در نبود پشتوانه حوزه و ذخیره عظیم آن
- ۱/۳۲/۵. هدف نظام: اعتلای کلمه اسلام و گسترش تفکر اسلامی به اقصا نقاط عالم و تعمیق آن در اذهان و ارواح مردم خودمان و بقیه مسلمینی که مخاطب ما هستند
- ۳۳/۵. برخورد با کسانی که در مقابل هر حرف اصلاحی برای حوزه ایجاد وسوسه می‌کنند
- ۳۴/۵. حفظ عدم وابستگی مالی حوزه علمیه به دستگاه‌های قدرت به عنوان عامل بقای حوزه
- ۳۵/۵. انحصار تغذیه مالی روحانیون از منابع مالی مردمی
- ۳۶/۵. توجه به مرهون انقلاب اسلامی بودن جوهر حیات و رشد و بالندگی حوزه علمیه در این دوران
- ۳۷/۵. بازگشت به عرصه اجتماعی، حق انقلاب بر حوزه
- ۳۸/۵. رابطه حوزه علمیه و نظام اسلامی، رابطه ای دو جانبه و مبتنی بر تعاون
- ۳۹/۵. دفاع حوزه از نظام حتی اگر از کسی که در رأس نظام است خوششان نیاید
- ۱/۳۹/۵. پرچم اسلام بودن این نظام در عصر حاضر
- ۴۰/۵. پشتیبان بودن حوزه برای نظام جمهوری اسلامی در عین جدا بودن و استقلال
- ۴۱/۵. ایجاد احساس مسئولیت در حوزه نسبت به نیازهای فکری اداره نظام اسلامی
- ۱/۴۱/۵. تحقیق و تنقیح تفکرات، بینش‌ها و مقررات مورد نیاز نظام
- ۲/۴۱/۵. پاسخ دادن به استفهامات موجود درباره تفکرات حاکم بر اداره نظام
- ۴۲/۵. تنظیم و تدوین مقررات اسلامی و نظام ارزشی اسلام و اخلاق عمومی و ارائه الگوی زندگی اسلامی متکی به مدارک قطعی شرع توسط حوزه
- ۴۳/۵. پرهیز از تضعیف نظام به بهانه بعضی کاستی‌ها و تخلف‌ها
- ۱/۴۳/۵. تلاش برای اصلاح مفاسد از طرق معقول
- ۴۴/۵. توجه به نقش آبروی تاریخی روحانیت در ایجاد اعتماد در مردم برای پیروزی نظام اسلامی
- ۴۵/۵. توجه به شرایط خاص جامعه شیعه در عصر حاضر
- ۱/۴۵/۵. جامعه علمی شیعه در طول تاریخ، به قدر امروز، از لحاظ کمیت، بزرگ نبوده
- ۲/۴۵/۵. از لحاظ قدرت، به قدر امروز، کارآمد و صاحب قدرت سیاسی و اجتماعی نبوده
- ۳/۴۵/۵. به قدر امروز، تمکن مالی و امکانات مرغوب جامعه؛ رسانه، منبر و مطبوعات نداشته
- ۴۶/۵. روی آوردن به «فقه حکومتی» و استخراج احکام الهی در همه شئون یک حکومت
- ۱/۴۶/۵. نظر به همه احکام فقهی با نگرش حکومتی
- ۲/۴۶/۵. ملاحظه تأثیر هر حکمی از احکام در تشکیل جامعه نمونه و حیات طیبه اسلامی
- ۴۷/۵. مقابله با اندیشه جدایی حوزه و نظام اسلامی
- ۴۸/۵. هشیاری نشان دادن حوزویان و مسئولان نظام به انگیزه‌های تفرقه‌افکنانه
- ۴۹/۵. ایجاد مرکزیت منسجم در حوزه، برای امکان تعامل با دستگاه‌های نظام
- ۵۰/۵. ایجاد مراکز تحقیقاتی متعدد در حوزه برای تعامل با نظام



- ۵۱/۵. موظف بودن هر روحانی به مقتضای تلبس به این لباس به دفاع از حکومت اسلام و حاکمیت قرآن
۵۲/۵. تبدیل حمایت و دفاع از نظام اسلامی به هدف و جهت کلی روحانیت

۶. موضوع نقش حوزه در ارتقاء فرهنگ جامعه و مردم

- ۱/۶. وجود عیب در صداوسیما علی‌رغم تلاش‌های نهاد رهبری
۲/۶. بازگشت نقص صداوسیما به حوزه
۳/۶. کار رسانه‌ای نبودن حضور روحانیت در صداوسیما علی‌رغم نمایش دائم روحانیت در شبکه‌ها
۴/۶. نبود مجموعه مشاورین روحانی‌ای که قادر به جهت‌دهی صداوسیما باشند
۱/۴/۶. فقدان علمایی که هم هنر را بفهمند و هم لزوم هنر در صداوسیما را
۲/۴/۶. علمایی که چگونگی بروز و تحقق انحراف در بیان هنری را بدانند
۳/۴/۶. راه جلوگیری از این انحرافات را هم بدانند
۵/۶. وجود اشکالاتی در مجموعه آموزش و پرورش
۱/۵/۶. مانند شبکه بودن آموزش و پرورش و شاخ و برگ داشتن از تهران تا اعماق روستاها
۲/۵/۶. عدم حضور روحانیت در این شبکه
۶/۶. اهمیت بیشتر مسائل فرهنگی نسبت به مسائل سیاسی و اقتصادی به دلیل هجمه فرهنگی علیه نظام
۱/۶/۶. صادر نشدن کار جدی از حوزه برای مواجهه با این تهاجم فرهنگی
۲/۶/۶. عدم کفایت تألیف کتاب به تنهایی برای مواجهه
۷/۶. کم‌کاری حوزه سبب رشد نحله‌های منحرف
۸/۶. حاضر نبودن بزرگان امروز حوزه به نوشتن کتاب‌های فارسی
۹/۶. امکان بی‌دین شدن دانش‌آموز از طریق کتاب فیزیک و ریاضیات
۱۰/۶. آماده نبودن حوزه برای کمک به آموزش و پرورش در شرایط حاضر
۱۱/۶. جبهه‌گیری حوزه علیه تهاجم فرهنگی
۱۲/۶. حوزه علمیه بخشی از جبهه در برابر تهاجم فرهنگی
۱۳/۶. ضرورت توجه به نوع نگارش کتاب و توانایی برای تأثیرگذاری
۱۴/۶. تولید نرم‌افزارهای مورد نیاز برای حل مشکلات فرهنگی توسط حوزه
۱۵/۶. تزریق ایمان دینی منطقی و استوار در بدنه هنرمندان برای اصلاح صداوسیما
۱۶/۶. نوشتن کتاب‌های به زبان فارسی برای ترویج دین
۱/۱۶/۶. مثال: «حق‌الیقین»، «حیات‌القلوب» و «حلیة‌المتقین» علامه مجلسی
۲/۱۶/۶. مثال: کتاب اعتقادات محقق اردبیلی
۱۷/۶. تأسیس رشته تعلیم و تربیت در حوزه
۱۸/۶. تربیت متخصص تعلیم و تربیت برای به‌کارگیری در شبکه آموزش و پرورش
۱۹/۶. تولید کتاب‌های دینی و غیردینی برای آموزش و پرورش با توجه به مخاطب بیشتر آن از صداوسیما
۱/۱۹/۶. امکان ارائه درس توحید در کتاب فیزیک و ریاضیات
۲۰/۶. تربیت دینی معلّم برای خدمت در آموزش و پرورش
۲۱/۶. بی‌تفاوت بودن نسبت به جامعه و بی‌اعتنایی به کج‌روی‌ها و انحراف‌ها
۲۲/۶. بی‌تفاوتی؛ دشمن بزرگ تعهّد و رسالت عالمان دین و روشن‌فکران و آگاهان در جامعه
۲۳/۶. عدم امکان اسلامی کردن رفتارهای مردم بدون عمق‌بخشی عقاید و باورهای ذهنی
۲۴/۶. دل خوش بودن به کارهای کوتاه‌مدت و غفلت از طرح‌های بلندمدت در اسلامی کردن دانشگاه
۲۵/۶. بی‌اطلاعی حوزه از تعداد عناوین کتاب‌هایی که مورد نیاز جامعه است



- ۲۶/۶. ایمان مذهبی مردم؛ آماج تهاجم دشمنان اسلام
- ۱/۲۶/۶. ایمان مذهبی مردم به عنوان حصار و منبع این نظام
- ۲۷/۶. وجود بحران‌های فکری و عقیدتی در جامعه امروز
- ۱/۲۷/۶. به طور عمده در میان جوانان و علی‌الخصوص در بین دانشگاه‌ها
- ۲۸/۶. عدم توجه و باور بسیاری از بزرگان حوزه نسبت به وجود بحران فکری و عقیدتی در جامعه
- ۲۹/۶. زیاد بودن عوامل جدایی جوانان از روحانیون
- ۱/۲۹/۶. باقی ماندن رسوب تبلیغات زیاد علیه روحانیت در گذشته
- ۲/۲۹/۶. برخوردهای عجیب و غریب و بداخلاقی‌های گوناگون روحانیت با جوانان
- ۳/۲۹/۶. تقویت جدایی جوانان از روحانیت توسط دشمن
- ۴/۲۹/۶. افزایش روز به روز فاصله جوانان از روحانیت در صورت عدم توجه به این مطلب
- ۳۰/۶. توجه به نیازهای جامعه و مردم در فعالیت‌های حوزه علمیه
- ۱/۳۰/۶. مردم؛ فلسفه وجودی حوزه علمیه و عدم نیاز به این تعداد فقیه در صورت نبودن مردم
- ۳۱/۶. مبادلات نسبت به مسائل جهان پیرامون؛ اولین لازمه جامعه علمی و مذهبی شیعه
- ۳۲/۶. تربیت معلم دینی مدارس آموزش و پرورش در حوزه؛ هر زمان که حوزه توان آن را داشته باشد
- ۳۳/۶. ارائه طرح‌های کوتاه‌مدت و بلندمدت برای اسلامی کردن دانشگاه‌ها توسط حوزه
- ۳۴/۶. داشتن شرح صدر و تواضع در برخورد روحانیت با جامعه
- ۱/۳۴/۶. مردمی بودن و برخورد اخلاقی مهم‌ترین ابزار جذب برای روحانیت
- ۳۵/۶. تفهیم بحرانی بودن جامعه از نظر مسائل فکری و عقیدتی برای آقایان مراجع و بزرگان حوزه
- ۳۶/۶. ایجاد هماهنگی در نیروهای حوزوی برای مقابله با افکار غلط در جامعه
- ۳۷/۶. منظم شدن ارتباط حوزه با جوانان و به خصوص نسل جوان تحصیل‌کرده

۷. موضوع نقش حوزه در تحول علوم انسانی

- ۱/۷. مبتنی بودن علوم انسانی بر جهان‌بینی
- ۲/۷. مضر بودن علوم انسانی رایج در کشور
- ۳/۷. ابتناء این علوم انسانی بر جهان‌بینی متفاوت از جهان‌بینی اسلام
- ۱/۳/۷. مبتنی بودن علوم انسانی رایج بر تفکرات پوزیتیویستی قرن پانزده و شانزده اروپا
- ۴/۷. پرورش اساتید دارای نگاه غیراسلامی توسط علوم انسانی رایج
- ۵/۷. جایگزین شدن نظریات غربی در صورت عدم ورود متخصصان دینی به مسائل اداره نظام
- ۶/۷. عدم امکان مدیریت نظام بدون وجود نظریات علمی
- ۷/۷. خطر علوم انسانی دانشگاه‌ها در تربیت مدیران بر اساس مبانی خود
- ۸/۷. در رأس دانشگاه و نظام قرار گرفتن این مدیران غرب‌زده
- ۹/۷. ضرورت تحول در علوم انسانی
- ۱۰/۷. پایه‌ریزی مستحکم علوم انسانی مبتنی بر تفکر اسلامی و جهان‌بینی اسلام
- ۱/۱۰/۷. مشابه کار آقای مصباح و تشکیلات ایشان در اول انقلاب
- ۱۱/۷. آشنایی حوزه با علوم انسانی رایج برای توانا شدن در پایه‌ریزی علوم انسانی جدید
- ۱۲/۷. تشکیل یک هسته آگاه و کارآمد؛ واجب‌ترین کار برای ایجاد تحول در علوم اسلامی و انسانی

۸. موضوع ارتباط حوزه با جهان اسلام

- ۱/۸. مغالطه: تشویق حوزه به گوشه‌نشینی برای کاهش دشمنی‌ها

- ۱/۱/۸. منجر شدن گوشه‌نشینی به حذف
- ۲/۱/۸. آسیب دیدن دین با گوشه‌نشینی روحانیت
- ۳/۱/۸. عدم سکوت دشمنان دین با سکوت دشمنان روحانیت
- ۲/۸. تداوم تجاوز دشمنان دین در صورت بی‌طرف‌ماندن حوزه‌های علمیه
- ۳/۸. استکبار جهانی و در رأس آن آمریکا و فعال‌ترین آن اسرائیل؛ دشمن دینداری امروز
- ۴/۸. ضرورت بی‌طرف‌نماندن حوزه‌های علمیه در قبال حوادث
- ۵/۸. ضرورت شناخت دشمن گسترش دین و تعمیق دینداری
- ۶/۸. دست کم نگرفتن مسأله قرآن‌سوزی
- ۷/۸. دست کم نگرفتن مسأله کاریکاتورهای علیه نبی مکرم اسلام
- ۸/۸. دست کم نگرفتن دستگاه عظیم فیلم‌سازی هالیوود در راستای اسلام‌ستیزی
- ۹/۸. ضرورت عدم سکوت حوزه در برابر استکبار و موضع داشتن در برابر آن‌ها
- ۱۰/۸. توجه داشتن و پرهیز از کارهایی که کمک به دشمن است
- ۱۱/۸. ضرورت پاسخگویی به نیازهای نوبه‌نو جهانی
- ۱/۱۱/۸. تبیین معرفت‌شناسی اسلام
- ۲/۱۱/۸. تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام
- ۳/۱۱/۸. مفاهیم فقهی و حقوقی پایه‌ای در اقتصاد و سیاست
- ۴/۱۱/۸. نظام تعلیم و تربیت
- ۵/۱۱/۸. مفاهیم اخلاقی و معنوی
- ۶/۱۱/۸. ناظر بودن پاسخ‌ها به اندیشه‌های رایج جهانی
- ۱۲/۸. جدا نبودن مسائل حوزه از مسائل کل جامعه، کشور، جهان و بلکه مسائل تاریخ
- ۱۳/۸. ارتباط قهری حوزه و روحانیت با پیرامون خود
- ۱۴/۸. عدم امکان مفید بودن روحانیت در صورت نشناختن زمان
- ۱/۱۴/۸. ندانیم استکبار چه می‌خواهد بکند
- ۲/۱۴/۸. دشمنان ما چه کسانی هستند
- ۳/۱۴/۸. دشمنان ما از کجا نفوذ می‌کنند
- ۴/۱۴/۸. متوجه نباشیم در جامعه چه می‌گذرد و چه مشکلاتی وجود دارد
- ۱۵/۸. عدم قدرت حوزه بر ایفای نقش خود در صورت بی‌اطلاعی از جبهه‌بندی‌های امروز جهان
- ۱۶/۸. گم کردن جبهه در صورت نداشتن قطب‌نما و در نتیجه تیراندازی به نیروهای خودی
- ۱۷/۸. پیشگام نبودن علمای دین؛ دلیل ناموفق بودن بسیاری از نهضت‌های جهان
- ۱۸/۸. اسلام؛ هدف بزرگ‌ترین دشمنی‌های شیاطین در جهان امروز
- ۱۹/۸. تحت ظلم بودن اکثریت انسان‌ها در جهان امروز
- ۲۰/۸. نبودن مکتبی در جهان معاصر برای تعلیم انسان‌ها به جنگ با شیطان زر و زور
- ۱/۲۰/۸. دقیق شدن سیاست استعماری در عدم تحریک حسن ناسیونالیسم علیه خود
- ۲۱/۸. در تقابل بودن جامعه اسلامی و دین اسلام با اهداف استعماری غربی‌ها
- ۲۲/۸. استکبار جهانی؛ بزرگ‌ترین خطر تهدیدکننده اسلام و مسلمین
- ۲۳/۸. بیدار شدن دشمنان جبهه اسلام و کسب تجربه در مقابله با انقلاب اسلامی
- ۲۴/۸. سه راه دشمنان برای حذف روحانیت از جامعه
- ۱/۲۴/۸. از بین بردن روحانیت (محال)
- ۲/۲۴/۸. همراه کردن روحانیت با خود (محال)



- ۳/۲۴/۸. منقطع کردن و نفی نفوذ معنوی روحانیت در بین مردم
- ۲۵/۸. توجه حملات دشمن به ریشه‌کن کردن نظام اسلامی
- ۱/۲۵/۸. حمله به نظریه حکومت اسلامی
- ۲/۲۵/۸. حمله به مبانی اسلام
- ۳/۲۵/۸. حمله به قانون اساسی
- ۴/۲۵/۸. تهاجم فکری و نظری به برخی از بخش‌های برجسته و شاخص نظام اسلامی
- ۲۶/۸. آسیب دیدن قدرت ایمانی مردم سبب آسیب دیدن نظام
- ۱/۲۶/۸. وابستگی و تکیه نظام اسلامی به قدرت ایمانی مردم
- ۲۷/۸. مخدوش کردن حکومت اسلامی و ولایت فقیه توسط دشمنان اسلام
- ۱/۲۷/۸. با تشبیه کردن به حکومت کلیسا و حکومت‌های سلطنتی
- ۲۸/۸. ایجاد مسائل جدید فقهی و کلامی در جامعه شیعه
- ۲۹/۸. جدید بودن مسائل حکومت برای شیعه به دلیل عدم کسب تجربه حکومت‌داری در گذشته
- ۳۰/۸. در خلأ و فضای بدون معارض قرار گرفتن تبلیغات دشمن؛ دلیل موفقیت او
- ۳۱/۸. کم‌کاری حوزه از نظر کیفی و کمی در مقابل تهاجم نظری دشمنان
- ۳۲/۸. افزایش قدرت تهاجمی دشمن به دلیل پیشرفت شیوه‌های انتقال فکر
- ۱/۳۲/۸. تلویزیون، رادیو، وسایل الکترونیکی، اینترنت و دیگر وسایل ارتباطاتی امروز در دنیا
- ۳۳/۸. با مشکلات بزرگ مواجه بودن حوزه در مقابله با تهاجم نظری دشمن
- ۱/۳۳/۸. از جنس روز بودن شبهات القایی به اذهان جوانان توسط دشمن
- ۲/۳۳/۸. متفاوت شدن وظایف حوزه و روحانیت نسبت به گذشته به دلیل تنوع وسایل تبلیغ
- ۳/۳۳/۸. دریافت شدن افکار، تصورات، تخیلات، پیشنهادها و فکری و پیشنهادها عملی در این طرف دنیا توسط یک جوان پای یک دستگاه کوچک از آن طرف دنیا
- ۴/۳۳/۸. قرار گرفتن حوزه در یک میدان جنگ و کارزار حقیقی فکری
- ۳۴/۸. تلاش دشمنان برای طرح شبهه انحصار دین در مسائل فردی
- ۳۵/۸. عدم پاسخ‌گویی حوزه به شبهات جهانی علیه شیعه
- ۳۶/۸. ارتباطات سریع در دنیا؛ سبب انتقال سریع هر حرف و شبهه‌ای به نقاط دیگر دنیا
- ۳۷/۸. کسب روشن‌بینی و روشن‌فکری و حفظ و تقویت اراده و همت و خستگی‌ناپذیری در حوزه
- ۳۸/۸. ارتقاء بصیرت حوزویان به معنای قدرت تحلیل سیاسی و فهم سیاسی
- ۱/۳۸/۸. باید بفهمیم: دشمن کیست؟ دوست کیست؟
- ۳۹/۸. توجه به انحصار نجات بشر در اسلام ناب، قرآن کریم و احکام الهی
- ۴۰/۸. بی‌اطلاعی مردم دنیا از نجات‌بخش بودن اسلام، قرآن و احکام الهی
- ۴۱/۸. لزوم پیکار نظری و ایجاد یک حرکت علمی در مقابله با حملات نظری دشمن
- ۱/۴۱/۸. تولید و تبیین و تدوین فکر؛ کار حوزه‌های علمیه
- ۴۲/۸. مبارزه نظری با شبهات وارد به نظریه حکومت اسلامی و ولایت فقیه
- ۴۳/۸. تدوین احکام و مسائل اداره کشور و در اختیار عموم قرار گرفتن آن
- ۱/۴۳/۸. روابط اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، ارزشهای اجتماعی و سیاسی در جامعه اسلامی
- ۴۴/۸. توجه به نقاط برتری حوزه نسبت به دشمن
- ۱/۴۴/۸. در میان مردم بودن
- ۲/۴۴/۸. به زبان مردم حرف زدن
- ۴۵/۸. بیرون کشیدن ملزومات مقابله با دشمن از مهمات تفکر اسلامی و انبارهای معارف الهی

- ۴۶/۸. به سود ما بودن این کارزار فکری، در صورت ورود به میدان جنگ نظری
- ۴۷/۸. آماده شدن حوزه علمیه در برابر موج مباحث جدید در جهان
- ۱/۴۷/۸. در جریان نظرات و ایده‌های جدید مطرح شده در دنیا بودن، مثلاً در مقوله جامعه‌شناسی
- ۲/۴۷/۸. جذب فکریهایی که عناصر مطلوبی به شمار می‌روند
- ۳/۴۷/۸. آماده کردن دفاع مناسب در برابر عناصر نامطلوب اندیشه در جهان
- ۴۸/۸. برنامه‌ریزی برای آماده‌سازی نیروی انسانی مورد نیاز در جنگ نظری
- ۱/۴۸/۸. افرادی برای شناسایی مسائل مطروحه روز در دنیا، در زمینه‌های گوناگون
- ۲/۴۸/۸. افرادی برای تحقیق، تدقیق و نوآوری در مسائل روز دنیا
- ۳/۴۸/۸. مجموعه‌هایی برای بحث علمی به شکل تطبیقی
- ۱/۳/۴۸/۸. مقایسه فقه با حقوق رایج دنیا
- ۲/۳/۴۸/۸. مقایسه مباحث فلسفی ما با مباحث فلسفی رایج عالم
- ۳/۳/۴۸/۸. مقایسه مباحث کلامی ما با مباحث کلامی رایج عالم و فلسفه‌های دین
- ۴۹/۸. ارتباط منضبط علمی حوزه قم با حوزه‌های جهان اسلام با استفاده از وسائل نوین ارتباط جمعی
- ۵۰/۸. تقریب فکری و عملی، در مجامع علمی جهان اسلام
- ۵۱/۸. برخورد فعال با جریانات فکری جهان
- ۵۲/۸. داشتن موضع تهاجمی و تبیینی با جریانات فکری جهان به جای موضع تدافعی
- ۵۳/۸. مطلع شدن حوزه از پیشرفت‌های جهانی در همه مسائل مرتبط با علوم اسلامی

